



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



وزارت آموزش و پرورش
معاونت آموزش و پرورش، فرهنگستان، تهران
موسسه علمی آموزشی پژوهشی
آکادمی نثار
شماره ملی: ۱۳۰۱۵۰۷۳۳۰
دانشگاه هرمزگان
Hormozgan University

فرآیند رشد عقل در پرتو زیست اخلاقی، بر پایه آموزه‌های امیرمؤمنان (علیه السلام)

محمد مهدی حاجیلویی محب

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

hajilouei@basu.ac.ir

۰۹۱۸۹۱۲۱۶۳۴

چکیده:

بحث پیرامون عقل، از دیرباز مورد توجه اندیش‌مندان، صاحب‌نظران و کنش‌گران عرصه تعلیم و تربیت بوده است. بخشی از این موضوع، به رشد یا اضمحلال خرد آدمی و عوامل موثر بر آن باز می‌گردد. این مهم مورد توجه متون دینی بوده، به شکلی که در سخنان امیرمؤمنان (علیه السلام) روایات گوناگونی در این زمینه وجود دارد. جستار حاضر، ضمن بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و در کنار درنگی بر معنای لغوی و اصطلاحی عقل و اخلاق، به دنبال این است که فرآیند رشد عقل در پرتو زیست اخلاقی را بر پایه آموزه‌های امیرمؤمنان (علیه السلام) تبیین کند. بررسی متون مرتبط نشان داد که توانایی خرد آدمی به صورت معناداری در کنار گزاره‌های اخلاقی به کار رفته و هر چه انسان روی به اخلاق می‌نهد، عقلانیتش تقویت می‌گردد. این موضوع در سه ساحت قابل بررسی بوده که در آنان، تاثیر زیست اخلاقی بر: «سلامت»، «تقویت و پویایی» و «راه‌یابی و خداگرایی» عقل مورد کاوش قرار گرفته است. برای مراحل و فرآیندهای رشد عقل، واژگان و عنوان‌های ویژه‌ای در روایات بیان شده است. با حفظ این معنی که اثر هر یک از فضایل بر رشد خردورزی، در فرآیندی ویژه صورت می‌بندد. ارائه مولفه‌های دوازده‌گانه پیرامون زیست اخلاقی، در سه ساحت سلامت، پویایی و خداگرایی عقل بر پایه آموزه‌های علوی، از نوآوری‌های پژوهش حاضر تلقی می‌گردد.

واژگان کلیدی: اخلاق، عقل، زیست اخلاقی، آموزه‌های امیرمؤمنان (علیه السلام).



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱. مقدمه

در متون دینی، ادبی، تاریخی، فکری و نیز، آثار فلاسفه، متکلمین، مفسرین و ... توجه شایانی به خرد و خردورزی گردیده است. چنان که بحث عقل، در آیات و روایات فراوانی طرح شده است. گاه این موضوع، به نگارش کتاب‌ها یا بخش‌های مستقلی انجامیده است. ساحت‌های گوناگون عقل همواره مورد توجه اندیش‌مندان و نویسندگان دوره‌های گوناگون بوده است. بخشی از این متون و تلاش‌ها، به مباحثی مانند: اهمیت، جایگاه، آثار عقل اختصاص داشته و بخش دیگری به عوامل صعود و سقوط خردورزی پرداخته‌اند. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که حرکت پیوسته عقل در جهت پویایی یا تزلزل، موضوعی پذیرفته شده در متون دینی و دیگر متون پژوهشی بوده است.

۱-۱. بیان مسأله

خرد آدمیان به دلیل برخورداری از مراتب تشکیکی، همواره در حال پیمایش مسیر کمال و رشد یا تزلزل و سقوط است. چنان که تعبیرهای گوناگونی برای این مسأله به کار رفته است، مانند: «هُوَ لَّا يَعْقِلُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶۳۵/۲)، «نَاقِصُ الْعَقْلِ» (شریف الرضی، ۱۳۷۸: خطبه ۲۳۴) و «كَامِلُ الْعَقْلِ» (شعبیری، بی تا: ۸۴)؛ چنان که مؤلفه‌های مؤثر و فرآیند تأثیرپذیری عقل، همواره محل بحث و نظر بوده است. در متون گوناگون، از جمله متون دینی، به تأثیرپذیری عقل اشاره شده است. این تأثیرپذیری، گاه به سستی، افول، و سقوط عقل انجامیده و گاه به رشد، تعالی و کمال عقل منتهی می‌گردد. در این میان، از زیست اخلاقی به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر ساحت خرد و خردورزی نام برده شده است. این تأثیرگذاری در هر دو گونه فضائل و ردائل جریان دارد. به شکلی که فضائل اخلاقی در راستای زمینه‌سازی برای رشد عقل بوده و ردائل اخلاقی در راستای زمینه‌سازی برای سقوط عقل می‌باشند. این موضوع در نهج‌البلاغه و دیگر روایات نقل شده از امام علی «علیه السلام» به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که در موارد بسیاری عقل و اخلاق به صورت معناداری در کنار هم به کار رفته‌اند و بین این دو رابطه برقرار است. در میان آموزه‌های علوی روایاتی وجود دارد که نشان دهنده رشد، تعالی و کمال عقل در پرتو فضائل، اندیشه، گفتار و رفتارهای اخلاقی است. پژوهش حاضر، ضمن بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، با بررسی متون مرتبط، به دنبال تبیین جنبه‌های گوناگون «فرآیند رشد عقل، در پرتو زیست اخلاقی، بر پایه آموزه‌های امیرمؤمنان (علیه السلام)» است تا بتواند به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. چه رابطه‌ای میان زیست اخلاقی و عقل در آموزه‌های امیرمؤمنان (علیه السلام) وجود دارد؟
۲. بر پایه آموزه‌های امیرمؤمنان (علیه السلام)، زیست اخلاقی چه تاثیری بر سلامت عقل دارد؟
۳. بر پایه آموزه‌های امیرمؤمنان (علیه السلام)، تاثیر زیست اخلاقی بر تقویت و پویایی عقل چگونه است؟

برای دستیابی به پاسخی شایان برای پرسش‌های پیش‌گفته و ارائه نثائی از فرآیند تأثیرگذاری زیست اخلاقی بر عقل، معنای لغوی و اصطلاحی عقل و اخلاق مورد بررسی قرار خواهد گرفت و رشد خرد آدمیان در پرتو اخلاق به صورت صعودی و از مراحل ابتدائی تا دست‌یابی به پویایی و کمال ترسیم خواهد شد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش و نگارش پیرامون رشد خرد و خردورزی از دیرباز مورد توجه فلاسفه، متکلمین، محدثین، مفسرین و ... بوده و تا کنون آثار بسیاری در این زمینه نگاشته شده است. چنان که در زمینه تأثیر اخلاق بر عقل، کتاب‌ها و پژوهش‌هایی وجود دارد. برخی کتاب‌ها و نیز شرح‌های نهج‌البلاغه، در ضمن مباحث خود، بخشی را به موضوع رشد عقل و تاثیرات اخلاق بر این موضوع اختصاص داده‌اند. برخی از این مقالات عبارتند از: «عقل و دین از دیدگاه امام علی (ع)»، حسینعلی پاشا پاسبندی؛ «عقل و خرد و ابعاد آن از زاویه نگاه امام علی (ع)»، اسد الله بیات؛ «تأثیر اخلاق در اندیشه و ادراک انسان»، محمد عباش زاده جهرمی؛ «آسیب‌های خردورزی و عوامل رشد عقل»، احمد لقمانی؛ «روش‌های تربیت عقلانی در سخنان امام علی (علیه السلام)»، سعید بهشتی؛ «اصول اساسی در پرورش اخلاقی با تأکید بر دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، احمد اسلامی. عمده مباحثی که مورد توجه این‌گونه پژوهش‌ها بوده، عبارت است از: چیستی، اهمیت، جایگاه و کارکردهای عقل و اخلاق؛ معرفی عقل به عنوان پایه‌ی اصلی اخلاق و التزام و عدم التزام؛ عقل، مدرک کارهای خوب و بد؛ کارکردهای نظری و عملی عقل؛ درجات عقل و ارتباط عقل و اراده؛ ره آوردهای عقل؛ لزوم عقلانی شدن اخلاق و در نهایت، حسن و قبح عقلی و شناخت و حجیت عقل.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

نکته مهم این است، که بیشتر کاوش‌های صورت گرفته، تنها به مقوله عقل یا اخلاق به صورت جداگانه پرداخته‌اند یا آن که به پیوستگی این دو در خارج از آموزه‌های امیرمؤمنان (علیه السلام) توجه داشته‌اند. اما به صورت جامع و تحت عنوانی مستقل و خاص به موضوع «فرآیند رشد عقل در پرتو زیست اخلاقی، بر پایه آموزه‌های امیرمؤمنان (علیه السلام)» نپرداخته‌اند.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

ارائه برون دادهای رفتاری و گفتاری سنجیده، در گرو رشد خرد انسان‌هاست. هر چه انسان به عقلانیت بیشتری دست یابد، رفتارهای انسانی و اسلامی بهتری ارائه خواهد. چنین موضوعی به تنظیم صحیح رابطه با دیگران و رسیدن به جامعه‌ای برتر و مدینه فاضله خواهد انجامید. طرح مسأله جهانی سازی و قرار گرفتن اصالت سود و لذت در افق کنش‌ها و واکنش‌های انسانی، ضرورت طرح دوباره تقویت خردورزی انسان‌ها را نمایان تر می‌کند. ضمن این که این موضوع بر پایه آموزه‌های علوی صورت خواهد گرفت.

۲. بحث «یافته‌های پژوهش»

۱-۲. مفهوم شناسی عقل

مفهوم «نگه‌داشتن و بستن» در معنای لغوی عقل نهفته است. چنان که این واژه به این معانی آمده است: ممنوع شدن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۵۸/۱۱)، «دژ، قلعه (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۵۹/۱)، بند کردن (راغب أصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۸: ۱۳۹۸: ۱۹۵/۸)، بستن (راغب أصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۸: فیومی، ۱۴۱۴: ۴۲۲/۲)، باز ایستادن (راغب أصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۸: طریحی، ۱۳۷۵: ۴۲۵/۵)، گره زدن و بند آوردن (راغب أصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۸)، (راغب أصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۸)، نگه داشتن (همان؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۵۸/۱۱: طریحی، ۱۳۷۵: ۴۲۵/۵). این واژه در مسیر حرکت خود، از مفهوم اولیه‌ی بستن، منع کردن و...، به معنای دریافتن، فهم کردن، قدرت فهم و دریافت و... رسیده است. دلیل کاربری واژه "عقل" برای مفهوم خرد، بدین جهت است که: عقل صاحبش را از افتادن در هلاکت نگه داشته (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۵۹/۱۱) و او را از جهل (مصطفوی، ۱۳۹۸: ۱۹۵/۸) و هوای نفس (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۲۵/۵) حفظ می‌کند و دلیل کاربری واژه‌ی "عقل" برای انسان خرد پیشه، از آن جاست که: خردمند، نفس خود را نگه‌داری کرده و از هواها باز می‌دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۵۸/۱۱). ضمن این که در ادراکِ عاقل، نوعی گره‌ی قلبی بر تصدیق وجود دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۵/۲) بحث پیرامون معنای اصطلاحی عقل مورد توجه اندیشه‌وران گوناگون، به خصوص فلاسفه و متکلمین بوده است. کاربرد عقل نزد فلاسفه در دو محور است که در کاربرد دوم، قوه‌ای در انسان (دانش پژوه و افشار، ۱۳۸۷: ۲۶۰)، مایل به خیرات و کمالات و داعی به عدل و احسان است، (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۲۱) که حاکم بر رفتارهای او (سجادی، ۱۳۶۱: ۳۶۳؛ سجادی، ۱۳۷۳: ۱۳۷۰/۲ و ۱۲۷۱) و عاملی برای پیدایش رفتارهای صحیح (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۴۱/۹) می‌باشد. بدین روی، تمییز بین حق و باطل (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۲۱/۱ و ۲۲۲) و عروج به قلّه‌های ایمان و بارگاه الهی به مدد آن محقق می‌شود. (همان) خرد آدمیان به مداومت بهره‌گیری صحیح، قوت یافته (الرازی «مسکویه»، ۱۳۸۸: ۹۳) و راه اکمال می‌پیماید. (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۴۱/۹)

۲-۲. مفهوم شناسی اخلاق

معنای لغوی اخلاق را «الدّین و الطّبع و السّجیة» (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۷۰/۲: طریحی، ۱۳۷۵: ۱۵۶/۵) گفته‌اند. برخی هم آن را به معنای سرشت و سنجیه دانسته‌اند، (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۵). جمع این واژه، أخلاق (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۵۶/۵)، به معنای «خوی‌ها و خصلت‌ها» بیان شده است. (جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۴۰۸/۴).

در بحث معنای کاربردی و اصطلاحی، «اخلاق با محوریت پایداری صفات در نفس انسان و خودجوش بودن کنش‌ها و واکنش‌ها» مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع، اخلاق را هیئت خاصی دانسته‌اند که در انسان رسوخ و ظهور کرده و به کمک آن، رفتارها به آسانی و بدون نیاز به اندیشه صورت می‌پذیرد. (فیض کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۹؛ نیز، ر.ک: شبر، ۱۳۸۷: ۳۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۵۷/۵) ملّا محمد مهدی نراقی در تعریفی هم‌سو با گفتار پیشین، به ملکه بودن اخلاق اشاره می‌نماید. (نراقی، ۱۳۷۵: ۲۴؛ نیز ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۶۴) تعریف ارائه شده از سوی ابوعلی مسکویه با عبارت «داعیه لها الی أفعالها» (الرازی «مسکویه»، ۱۳۸۸: ۵۱؛ نیز ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۲/۶) آمده است و برخی نویسندگان معاصر، به تبیین معانی و کاربردهای متفاوت اخلاق اصطلاحی پرداخته‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۱۹؛ مصباح، ۱۳۸۱: ۱۶) تصریح شده است: اخلاق عبارتست از ملکات راسخه در روح و در حقیقت وصفی است از اوصاف روح. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۵۷/۶؛ نیز، ر.ک: مطهری، بی‌تا: ۵۶/۲۵) در یک نگاه، اخلاق عبارت است از: «صفات و



ویژگی‌های پایدار در نفس که موجب می‌شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل، از انسان صادر شود. (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۵؛ نیز، ر، ک: سجادی، ۱۳۷۳: ۱۱۱/۱؛ فتحعلی‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۶؛ سادات، ۱۳۸۷: ۸؛ جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۱۴/۳). البته اخلاق با رفتار متفاوت است. ایته اخلاق با آداب متفاوت است. زیرا که اخلاق، یک کیفیت باطنی است و اثر آن در رفتار بیرونی آشکار می‌شود. (محدثی، ۱۳۹۰: ۱۵). شکل‌گیری اخلاق به عوامل گوناگونی بستگی دارد، بخشی از آن به سرشت انسان و مرحله‌ی قبل از تولد او بستگی داشته و بخشی هم، به وسیله‌ی خود شخص و معلم، مربیان و اجتماع، طرح و بنا می‌شود. (مطهری، بی‌تا: ۵۷/۲۵) در یک نگاه، اخلاق، رفتار فرد و شیوه‌ی ارتباط او را با فضای پیرامونی تنظیم می‌کند، چنان که عقل ساماندهی رفتارها و راهبری انسان به سوی کمال را بر عهده دارد.

۲-۳ رابطه زیست اخلاقی و عقل

پاک زیستن، هدفی والا و انسانی است، که ریشه در عقلانیت انسان داشته و او را از موجودی زمینی، به گوهری ارزشمند بدل می‌کند. با بررسی آموزه‌های علوی نشان می‌دهد که انسان‌های پاینده به زیست اخلاقی، از عقلانیت بیشتر و بهتری برخوردار بوده و عقل آن‌ها روی به افزایش و تکامل می‌نهد. در آموزه‌های بسیاری، فضایل اخلاقی و عقلانیت در کنار یکدیگر و هم سو با هم آمده‌اند. در واقع، بین وجود و تبلور فضایل و عقل، نوعی همراهی و تناسب وجود دارد. گاهی برخی صفات اخلاقی به همراه عقلانیت آمده است: «لِلْمُؤْمِنِ عَقْلٌ وَفِيهِ وَحِلْمٌ مَرَضِيٌّ وَرَغْبَةٌ فِي الْحَسَنَاتِ وَفِرَارٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ» (تمیمی آمدی، بی‌تا: ۷۱/۲، ش ۴۸) و «الْعَقْلُ بِالصَّبْرِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۸۱/۳؛ دیلمی، ۱۴۲۷: ۱۱۶). در روایت دیگری، پیرامون نشانه‌های ایمان کامل، عقل با صفات مهمی، مانند بردباری و علم همراه شده است (تمیمی آمدی، بی‌تا: ۲۴/۱، ش ۱). در زمینه صفات انسان‌های برتر، همین هم‌گرایی وجود دارد و عقل با فضیلت‌های دیگری، مانند میراندن شهوات و تلاش برای آخرت، همراه شده است (همان: ۹، ش ۲۰۳؛ جمال خوانساری، ۱۳۷۶: ۵۶۳/۲). نمونه‌ی دیگر این موضوع، در تبیین ویژگی‌های پیشوا و رهبر آمده است؛ که چنین شخصی، باید فضیلت‌های اخلاقی را با عقلانیت درهم آمیخته و در کنار عقلانیت، راستی و آخرت‌گرایی را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهد» (شریف الرضی، ۱۳۷۸: خطبه ۱۵۴). این بحث تا بدانجا پیش می‌رود، که لزوم همراهی عقل با فضیلت‌های والا، باعث سروری انسان می‌گردد (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۴).

در نامه‌ای که به قُتَمِّ بن عَبَّاس، عامل حضرت در مکه نگاشتند، سفارش‌هایی را طرح کردند که در آن عقلانیت با دیگر فضایل، هم‌نواپی می‌کند (شریف الرضی، ۱۳۷۸: نامه ۳۳). گاهی این هم‌گرایی و هم‌نشینی عقل با فضایل، جلوه‌ی بارزتری می‌یابد: «قَالَ (عليه السلام) فِي حَقِّ مَنْ أُنِّي عَلَيْهِ ... قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَ أَمَاتَ شَهْوَتَهُ وَ أَطَاعَ رَبَّهُ وَ عَصَى نَفْسَهُ» (تمیمی آمدی، بی‌تا: ۶۰/۲، ش ۶۵)، یعنی جایی که عقل وجود دارد، نوعی اکتساب فضایل جلوه‌گری می‌نماید.

تناسب بین عقل و زیست اخلاقی در موارد دیگری هم وجود دارد. همراهی عقل و ادب (همان: ۱۵/۱، ش ۱۵)، عقل و علم (همان: ۸۶/۲، ش ۴۷۳؛ همان: ۴۲/۱، ش ۱۴)، عقل و اخلاق (همان: ۲۸، ش ۲۵) و تکامل عقل با شرافت نفس (همان: ۲۶، ش ۷۱)، نمونه‌های دیگری از این بحث است. در کنار این تناسب، بر اساس آن چه خواهد آمد، برخی فضایل اخلاقی، مانند تقوای الهی به عنوان عامل بازبایی و تقویت عقل معرفی شده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۵۰/۳؛ دیلمی، ۱۴۲۷: ۲۶۷؛ المالکی الاشتهری، ۱۴۱۰: ۱۹۵/۲).

با بررسی موارد بیان شده، این نتیجه‌ی خدشه‌ناپذیر به دست می‌آید که: بین زیست اخلاقی و پویایی عقل، رابطه و تناسب وجود داشته و این دو هم‌گرا و هم‌نشین هستند. بررسی اجمالی این تأثیر نشان می‌دهد، اثرگذاری زیست اخلاقی بر عقل، در دو گروه قابل دسته‌بندی است. در گروه نخست، تأثیر زیست اخلاقی بر سلامت عقل بررسی شده و در گروه دوم، تأثیر زیست اخلاقی بر تقویت و پویایی خرد مورد کاوش قرار می‌گیرد. خرد آدمیان، ضمن تأثیر پذیری از اخلاق، دارای مراتب گوناگون و تشکیکی بوده، مراحل را از نقص تا کمال می‌پیماید. بررسی این تأثیر، نشان از این دارد که هر یک از فضایل اخلاقی، اثر ویژه‌ای بر خرد می‌گذارند. این مراحل به شکل صعودی تنظیم شده، تا نشان دهنده تأثیرپذیری عقل از مباحث اخلاقی از مراحل ضعف تا قوت باشد.

۲-۴ تأثیر زیست اخلاقی بر «سلامت عقل»

عوامل، کنش‌ها و رداییل گوناگونی، کارکرد و کارآمدی عقل را تهدید می‌کند. زیست اخلاقی می‌تواند به حراست، حفاظت و نگهداری از عقل انجامیده و سلامت و پایداری خرد مدد رساند. زیست اخلاقی به حفاظت و نگهداری از عقل مدد می‌رساند. کاوش در آموزه‌های علوی نشان می‌دهد که به صورت مشخص، تسلط بر هوای نفس و دل‌نیستن به دنیا، از چنین اثری برخوردار است. دنیا و دنیاگرایی یکی از موانع بهره‌گیری از عقل در مسیر زیست اخلاقی است. جلوه‌گری‌ها، زرق و برق‌ها و جاذبه‌های آن، واکنش‌های عقل را با مشکل مواجه ساخته، آن را به خطا می‌اندازد. همه‌ی



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

این عوامل با ایجاد کشش‌هایی مانع رهپویی عقل، بر اساس مسیر مستقیم می‌گردند و به سلامت آن آسیب می‌زنند. بدین روی، برای پاسداری از عقل در برابر آسیب‌ها نیازمند، دنیاگریزی و دل نیستن به آن ضروری است.

هوای نفس و شهوات نیز از موانع جدی بهره‌گیری از عقل در مسیر زیست اخلاقی است. ضمن این که دارای اثر تخریبی سهمگینی بر عقل می‌باشد، بر این اساس، دوری از هوای نفس، باید تاثیر گسترده‌ای بر حفظ و حراست از عقل بگذارد. آسیب‌هایی که هوای نفس بر عقل وارد می‌سازد، دوری از آن را اجتناب ناپذیر کرده است. بدین روی برای نگهداری از عقل ناگزیر از دوری از هوای نفس در کنار دنیاگریزی خواهیم بود: «حِفْظُ الْعَقْلِ بِمُخَالَفَةِ الْهَوَىٰ وَالْعُرُوفِ عَنِ الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، بی‌تا: ۱/ ف ۲۸، ش ۵۴) به هر روی، تسلط هوای نفس بر انسان، می‌تواند اختیار عقل را از انسان برباید و اگر کسی می‌خواهد مالک خرد خود باقی بماند، باید که عنان نفس خویش را در دست گیرد. (همان: ۲/ ف ۷۷، ش ۱۱۰؛ نیز، ر.ک: جمال خوانساری، ۱۳۷۶: ۱۵۴/۵)

زمینه‌ها، کنش‌ها و عواملی هم وجود دارد که وجود و ثبات عقل را تهدید می‌کنند. این زمینه‌ها باعث از دست رفتن خرد آدمی شده و آسیب‌های جدی به آن می‌زنند. از آن‌جا که عقل، برخوردار از منشأیی الهی بوده، بازیابی و سلامت آن، به بهره‌گیری از نورانیت و هدایت الهی بستگی خواهد داشت. ذکر و یاد خدای مهربان، به عنوان فضیلتی اخلاقی، بازیابی عقل را در پی دارد. نگرستن به آفریده‌های الهی، پهنای عظمت آفرینش و گستره‌ی مُلک و سلطنت خدای، از موجبات بازیابی عقل خواهد بود.

گاهی برخورداری از قدرت و ریاست، باعث ایجاد پندار شکوه و غرور شده، کارآمدی عقل را از بین می‌برند، گویی که عقلی نمانده است. زمانی که مالک اشتر به حکومت مصر گمارده شد، امیرمؤمنان(ع) ضمن یادآوری این نکته، راه برون رفت از این حالت را یادآوری قدرت و عظمت الهی دانستند، که باعث می‌گردد عقل از دست رفته بازگردد. امیرمؤمنان(ع) نتیجه توجه به عظمت الهی را بازگشت نیروی خرد دانسته و فرموده است: هرگاه خودبزرگ بینی و خیال پردازی در سایه‌ی قدرت تو را فرا گرفت: «فَأَنْظِرْ إِلَىٰ عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ ... فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ ... وَ يَفِيءُ إِلَيْكَ مَا عَزَبَ مِنْ عَقْلِكَ» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۱۲۷؛ نیز، ر.ک: شریف الرضی، ۱۳۷۸: نامه ۵۳).

زمینه‌ها، کنش‌ها و عواملی دیگری موجب آسیب دیدگی عقل شده و کارایی آن را با مشکل روبرو می‌سازند. بدین روی، شفاء و سلامت عقل به معنای بهبودی از آسیب‌ها و دستیابی به کارکرد صحیح است. برای دستیابی به شفاء و سلامت عقل، دوری از هوای نفس و شهوات یک ضرورت است. در اینجا، دوری گزینی، خود یک فضیلت اخلاقی محسوب می‌شود.

توضیح این فرآیند چنین است که هوای نفس، همواره یکی از موانع بهره‌گیری از عقل در مسیر زیست اخلاقی است. بدین روی، دوری از آن خواهد توانست عقل را از آسیب‌ها رها کند، زبان‌های گذشته را جبران کرده و بهبودی وضعیت عقل را به دنبال داشته باشد. هوای نفس و شهوات دارای آثار تخریبی سهمگینی بر عقل هستند، در نتیجه، دوری از آن‌ها، باید تاثیر گسترده‌ای بر شفای عقل بگذارد.

چنان که عقل از هوای نفس آسیب ببیند، راه نجات و شفای آن، در گرو دوری از هوای نفس است. هر کس از آن دوری گزیند به «شِفَاءُ الْعَقْلِ» (همان: ۲/ ف ۸۰، ش ۷۹) دست خواهد یافت.

از آن‌جا که هوای نفس، علاوه بر مانعیت در مسیر عقل، دشمن آن هم محسوب می‌گردد، برای حفاظت از سلامت عقل، دوری از هوای نفس ضروری است و هر کس از هوای نفس خود کناره‌گیری کند، نشانه‌های سلامت عقل او هویدا گشته و می‌توان او را به «صَحَّ عَقْلُهُ» وصف کرد (کراچکی، ۱۴۱۰: ۱۹۹/۱).

پاکیزگی عقل، یکی از ویژگی‌های مطلوب خردورزی است که به معنای پیراستگی از هرچیزی است که با شأن خرد ناسازگار است. در واقع، فضیلتی اخلاقی مانند علم آموزی و علاقه به فراگیری دانش عامل این پاکیزگی است.

علم آموزی آگاهی‌های فرد را نسبت به صلاح و فساد وی گسترش می‌دهد. در نتیجه مسیرهای اشتباه را به او نشان داده، ردایل اخلاقی را برایش تبیین می‌کند و پیشتر گفتیم که علم توانایی عقل را گسترش می‌دهد و ضمن روشن‌گری در مسیر نگاه، به کارایی صحیح و سالم آن مدد می‌رساند. عقل به مدد روشن‌گری علم در زمینه‌ی شناخت ردایل، خواهد توانست پیرایه‌ها را زدوده، به پاکی دست یابد. به همین دلیل است که از علم آموزی به عنوان «أَعُونَ الْأَشْيَاءَ عَلَى تَزْكِيَةِ الْعَقْلِ» نام برده شده است (تمیمی آمدی، بی‌تا: ۱/ ف ۸، ش ۴۲۱).

۲-۵. تاثیر زیست اخلاقی بر «تقویت و پویایی عقل»

زیست اخلاقی می‌تواند به ثبات و تقویت خرد آدمی مدد رساند. مراتب تشکیکی و صعود و نزول عقل از عوامل گوناگونی تاثیر می‌پذیرد. در دایره زیست اخلاقی، برخی فضایل در افزایش میزان عقلانیت مؤثرند، این فضایل عبارتند از: علم آموزی و تجربه اندوزی؛ همراه افزایش سن که در این زمینه ضریب تأثیر را قوت می‌بخشد.



میان علم و عقل رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد، به شکلی که دانش دلیل بر عقل است و به تعبیر امام(ع): «الْعِلْمُ يَدُلُّ عَلَى الْعَقْلِ فَمَنْ عَمِيَ عَقْلًا» (تمیمی آمدی، بی تا: ۱/ ۱، ش ۱۷۶۳) علم آموزی، ذهن را به فعالیت بیشتر وادار نموده و اندوخته های درونی فرد را گسترش می‌دهد. این فعل و انفعال فکری و ذهنی، گسترش عقلانیت را در پی خواهد داشت. بنابراین با دانش‌آموزی بیشتر، عقلانیت هم افزایش می‌یابد: «إِنَّكَ مَوْزُونٌ بِعَقْلِكَ فَزَكِّهِ بِالْعِلْمِ»، (همان: ف ۱۳، ش ۲۶) چنان که تأکید شده است که با تحصیل علوم مختلف، رشد عقل نیز روی به افزایش می‌نهد. (جمال خوانساری، ۱۳۷۶: ۵۷/۳)

به لحاظ مراتب تشکیکی عقل، افزایش آن قابل درک است. که بخشی از آن مرهون علم بوده و بخش دیگری به وسیله‌ی تجربه هاست. امیرمؤمنان(ع) عقل را غریزه‌ای می‌دانند که علم و تجربه از عوامل افزایش آن هستند. (تمیمی آمدی، بی تا: ۱/ ۱، ش ۱۷۴۶) تجربه، دیدن مسایل مختلف در طول زمان است، که گاه با آزمون و خطا همراه بوده و فرد را با راهکار برون رفت و حل مسایل مشابه آشنا می‌سازد. روایتی چند برای تکامل عقل غریزی، سن مشخصی را بیان می‌دارند، اما تأکید می‌کنند که پس از آن، راه افزایش توانایی عقل به وسیله تجربه اندوزی خواهد بود. پیداست که عقل به دلیل قرار گرفتن در عرصه‌ی مسایل مختلف و دیدن موارد مشابه و متفاوت، به ورزیدگی بایسته‌ی خود دست خواهد یافت، بنابراین تجربه به نوعی عقل را تربیت کرده باعث افزایش آن می‌گردد: «العقل غریزة تربيها التجارب» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۴۱/۲۰). در این افزایش، علم و تجربه با هم بیان گردیده است و در روایت دیگری سن و تجربه با هم آمده اند. پیوند این سه، نکته قابل توجهی است. زیرا که علم آموزی و تجربه اندوزی در بستر زمان صورت می‌پذیرد. افزایش سن طبیعی بوده و به عنوان فضیلت اخلاقی معرفی نمی‌گردد. اما فضایل اخلاقی پیش گفته در بستر زمان ظهور می‌یابند و بر توانمندی عقل می‌افزایند. در نتیجه گذر زمان و افزایش سن به صورت غیرمستقیم در افزایش توانمندی عقل موثر خواهد بود. گاهی ۲۸ سالگی، زمان تکامل عقل بیان شده است و تأکید گردیده است که بعد از آن، تجربه ها افزایش عقل را برعهده خواهند داشت: «يَسْتَكْمِلُ عَقْلَهُ فِي ثَمَانٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً، فَمَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَإِنَّمَا هُوَ بِالتَّجَارِبِ» (ابن اشعث، بی تا: ۲۱۳) و گاهی سن ۳۵ سال برای تکامل عقل عنوان گردیده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۹۳/۳؛ با تغییر اندکی، بنگرید در: طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۳)

عقل در حال صعود یا سقوط است. در این میان، برخی فضایل اخلاقی مانند: تقوا، دین داری و ادب باعث تقویت و پویایی عقل شده و نقشی اساسی در صعود آن دارند. تقوا همان گونه که بن‌مایه‌ی نگهداشت انسان در برابر لغزش ها و نیز حکمت و هدف بسیاری از عبادات است، دارای آثار مطلوبی نیز بر عقل خواهد بود. امیرمؤمنان(ع) نتیجه‌ی نهایی تقوا را اعتماد و امید به خداوند می‌داند. در مراحل بالاتر، خداوند متعال به لحاظ همین تقوا، قوت عقل را به انسان عطا می‌کند، «سِدَّةٌ فِي عَقْلِهِ»، (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۵۰/۳؛ دیلمی، ۱۴۲۷: ۲۶۷؛ المالکی الاشری، ۱۴۱۰: ۱۹۵/۲)

از دیگر سو، دین به عنوان مسیر سالم زیستن انسان، می‌تواند به سالم سازی روح و روان او مدد رساند و استحکام عقلانیت را به دنبال آورد. از دیدگاه امیرمؤمنان(ع)، خردمندی از نتایج تدبیر در اسلام است: «... لُبًّا لِمَنْ تَدَبَّرَ - [اسلام] خرد است برای کسی که در آن تدبیر جوید» (شریف الرضی، ۱۳۷۸: خطبه ۱۰۶). رشد، پویایی و برجستگی خرد دارای عواملی چند است، اما رفتارهای آمیخته با ادب اثر قابل توجهی در فروزندی و پویایی عقل دارند. چنان که تأکید شده است: «ذَكَ عَقْلَكَ بِالْأَدَبِ». (تمیمی آمدی، بی تا: ۳۲/۱، ش ۳۹)

عقل پس از تقویت و پویایی، از وضع خمودگی و سستی جدا گشته به سوی وضع مطلوب خیز برمی‌دارد. بدین معنا که از ماندن در سطح زندگی مادی و پای بندی به پستی ها می‌گذرد و از افقی بالاتر به مسایل و اهداف آفرینش می‌نگرد. تقوا به عنوان یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی، نقشی اساسی در زمینه علو و بلندای خرد و خردورزی دارد؛ بر همین پایه، انسان متقی دارای خردی مستحکم است و از افقی بالاتر به موضوعات و پیرامون خود می‌نگرد، در نتیجه پی به ارزشمندی خود و لزوم گذر از مادیات می‌برد. امیرمؤمنان(ع) تأکید می‌کند: هرکه تقوا پیشه سازد، خردش به بلندای آخرت‌گرایی و گذر از دنیا خواهد رسید: «فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ ... فَبَدَنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا، وَ قَلْبَهُ وَ عَقْلَهُ مُعَايِنِ الْأَخْرَةِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۵۰/۳؛ دیلمی، ۱۴۲۷: ۲۶۷؛ المالکی الاشری، ۱۴۱۰: ۱۹۵/۲)

عقل مراحل مختلفی را به سوی کمال می‌پیماید؛ که از بازیابی شروع شده و تقویت می‌گردد و پس از اوج گیری و رسیدن به بلندای ارزشی خود، در نهایت به نقطه‌ی کمال خود دست خواهد یافت. این تکامل به شرطی تحقق خواهد یافت که همه پیرایه‌ها زدوده شده، عقل سبک بالانه در آسمان پاکی و فهم صحیح بال گشاید.

عوامل پیرامونی و نوع رفتارها در صعود و سقوط خرد مؤثر خواهند بود. رفتارها، روحیات و خلقیات ناشایسته، عقل را به حقارت کشانده، عروج آن را کند می‌سازند، بنابراین دوری از ناشایسته‌ها، می‌تواند به کامل شدن عقل کمک کرده و حتی علت آن باشد: «بِتْرُكِ مَا لَا يَعْنيكَ يَتِمُّ لَكَ الْعَقْلُ». (تمیمی آمدی، بی تا: ۱/ ۱۸، ش ۱۱۳)

اهداف والای آفرینش عقل، نتایج و کارکردهای مطلوبی در زمینه شناختی - تشخیصی و نیز تحریکی - التزامی در پی دارد. همین کارآمدی و سود بخشی به عنوان یک ویژگی مطلوب، شرایطی دارد. تهذیب نفس به عنوان بخشی از تقوا شرط کارآمدی و سوددهی عقل است. بنابراین با تمام نکاتی که پیرامون آثار شگفت‌آور و عمیق تقوا بیان شد، طبیعی است که تهذیب نفس به عنوان بخشی از فرآیند آراستگی به تقوا، شرط بهره مندی از عقل و سوددهی آن باشد. (تمیمی آمدی، بی تا: ۲/ ۷۷، ش ۱۳۱۱؛ جمال خوانساری، ۱۳۷۶: ۴۱۱/۵)



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

دست‌یابی به فهم صحیح در صورتی است که موانعی وجود نداشته باشد. برای دفع این موانع و اطمینان از دست‌یابی به ویژگی فهم صحیح، باید از دو فضیلت اخلاقی دنیا‌گریزی و دوری از هوای نفس مدد جست.

جلوه‌های دنیا و جاذبه‌های ظاهری آن، خرد را مبهوت و مشغول می‌کند. در این حالت، عقل از رهپویی مسیر مستقیم و تحلیل صحیح مسایل بازمی‌ماند. بنابراین دنیا‌گریزی، زمینه ساز فهم صحیح خواهد بود. امیرمؤمنان(ع) در کلامی به شریح قاضی، زوال‌پذیری دنیا و ضرورت آخرت‌گرایی را تبیین نموده و آن‌گاه فهم صحیح، در قالب شهادت صادقانه پیرامون دل‌ن بستن به دنیا و ضرورت پاسخگویی در قیامت را، زمانی می‌که عقل اسیر نفس نبوده، دنیا را به دیده زوال‌نگریسته و ندای منادی زهد را برای دل‌ن بستن به دنیا بشنود. این کلام زمانی بود که شریح خانه‌ای خریده، غرقه‌ی در حال و هوای آن بوده؛ حضرت ضمن بیان مطالب پیشین، عقل را شاهده‌ی بر این سخنان بیان کردند: «شَهْدَ عَلٰی ذٰلِكَ الْعَقْلُ اِذَا خَرَجَ مِنْ اَسْرِ الْهَوٰی وَ نَظَرَ بَعِيْنَ الزَّوَالِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۱۲؛ نیز، رک: شریف الرضی، ۱۳۷۸: نامه ۳)

هوای نفس با ایجاد کشش‌های دورنی و بیرونی، انسان را از فهم صحیح بازمی‌دارد، بدین روی اجتناب از آن، فهم صحیح را در پی خواهد داشت. امیرمؤمنان(ع) شرط فهم صحیح در قالب قضاوت عادلانه توسط معاویه را، دوری از وسوسه‌ها و هوای نفس می‌دانند. بنابراین اگر معاویه این سخن مولی را می‌شنید که: «لَئِنْ نَظَرْتَ بِعَقْلِكَ دُونَ هَوَاكَ» (منقری، ۱۴۰۴: ۲۹؛ نیز، رک: شریف الرضی، ۱۳۷۸: نامه ۶)، درمی‌یافت که قتل عثمان ارتباطی به امیرمؤمنان(ع) ندارد.

۲-۶. تاثیر زیست اخلاقی بر «راه‌یابی و خداگرایی عقل»

زیست اخلاقی، عقل را نورانی و خداگرا کرده و موجب راه‌یابی آن ملکوت و آخرت می‌گردد راه‌یابی و هدایت، یکی از ویژگی‌ها یا کارکردهای عقل است. در قرآن کریم هدایت‌گری واقعی به خداوند متعال اختصاص یافته است. (بقره/۱۲۰؛ انعام/۷۱) با یک نگاه ساده می‌توان به این نتیجه دست یافت که اگر عقل می‌خواهد به هدایت دست یافته و هدایت‌گر باشد، راهی جز ارتباط با خداوند و ذکر و یاد او ندارد. امام علی(ع) می‌فرماید: «الذِّكْرُ هِدَايَةُ الْعُقُولِ» (تمیمی آمدی، بی تا: ۱/ ۱، ش ۱۴۴۴). چنین بیانی به آن دلیل است که ارتباط با منشاء و عامل پیدایش عقل، یعنی خداوند متعال در قالب ذکر و یاد او، عقل را بر مسیر صحیح هدایت می‌نماید. هدایت به مسیر صحیح، راه تعالی عقل را هموار خواهد ساخت. دیگر از ویژگی‌هایی که به عقل نسبت داده شده است، روشنایی خرد بوده، بیدن معنا که عقل با داشتن این ویژگی راه را به درستی تشخیص داده، مسیر صحیح را می‌پیماید و در پناه آن، از افتادن به ورطه‌ی سقوط در امان می‌ماند. این ویژگی در پرتو سه فضیلت اخلاقی به دست می‌آید، که عبارتند از: یاد خدا، اندیشیدن و علم آموزی.

در قرآن از خداوند متعال به عنوان نور آسمان و زمین (نور/۳۵) و مبداء و عامل پیدایش نور (نور/۴۰؛ زمر/۲۲؛ شوری/۵۲) یاد شده است. بنابراین یاد خدا، می‌تواند انسان را به نورانیتی زیبا بیاراید و به طور طبیعی عقل نیز به این نورانیت روشن می‌گردد. بدین روی، در روایات از ذکر و یاد خدا به عنوان «نورُ الْعَقْلِ» یاد شده (تمیمی آمدی، بی تا: ۱/ ۱، ش ۲۰۲۱) و بیان گردیده است که هر که به یاد خداوند سبحان باشد، افزون بر آن که خدا دلش را زنده می‌دارد، خرد او را نیز روشن می‌سازد. (همان، ۲/ ۷۷، ش ۱۲۱۵). هر چه ذکر گسترده و مداوم تر باشد، نورانیت تا عمق جان و عقل انسان پیش خواهد رفت، بنابراین هر که بسیار به یاد خداوند باشد «اسْتَنَارَ لَبَّهُ». (همان: ش ۱۴۶۰)

اندیشیدن نیز فرآیندی است که با بکارگیری قوای درونی، مانند عقل، باعث توان بر تجزیه و تحلیل مسایل شده، راه‌های جدید را در برابر انسان می‌گشاید. هر چه این فرآیند بیشتر تکرار گردد، ورزیدگی قوای درونی بیشتر خواهد شد.

تکرار تفکر درباره‌ی مسایل مختلف، عقل را با مسایل جدید و راه‌های تعامل با آنها آشناتر می‌کند و در نهایت به نورانیت و پویایی عقل می‌انجامد، به صورتی که عقل هنگام برخورد با مسایل، ضمن مراجعه به پیشینه موجود در ذهن و مقایسه مساله حاضر با مسایل مشابه، به راهی مناسب برای تعامل با آن دست می‌یابد، در نتیجه به افق بالاتری رهنمون شده و از نگاه شفاف تری می‌نگرد. به همین دلیل است که از تفکر به عنوان «جَلَاءُ الْعُقُولِ» یاد شده است. (همان: ۱/ ۱، ش ۹۷۸) تکرار این فرآیند عقل ناب را نیز به نورانیت خواهد آراست: «الْفِكْرُ يُنِيرُ اللَّبَّ». (همان: ش ۴۲۳؛ جمال خوانساری، ۱۳۷۶: ۱۰۰/۱)

علم، آشنایی بهتری از مسایل عالم به دست خواهد داد و شناخت بیشتری برای انسان فراهم خواهد ساخت. آشنایی بیشتر و بهتر مانند چراغی برای درک بهتر مسایل بر سر راه عقل خواهد بود. هر چه علم اندوزی بیشتر باشد، افق نگاه عقل روشن تر خواهد شد و در واقع: «الْعِلْمُ ... مُنِيرُ الْعَقْلِ» (تمیمی آمدی، بی تا: ۱/ ۱، ش ۱۷۶۴).

آخرت‌گرایی عقل، به معنای دل‌کندن از دنیای پست و زودگذر مادی و روی آوردی به سرای باقی است. تا جایی که تلاش و هدایت‌گری عقل، همگی در همین راستا قرار گیرد. عقل آخرت‌گرا، خود و صاحبش را از آلوده شدن به زندگی دنیا برحذر داشته، از گستره‌ای وسیع‌تر به آینده‌ای سعادت‌مندانه می‌نگرد. امیرمؤمنان(ع) تقوا را عامل آخرت‌گرایی عقل معرفی می‌نمایند.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

تقوا، انسان را به هوشیاری کشانده و فناپذیری دنیا را به او یادآوری می کند. در این حالت از افقی والاتر به دنیا خواهد نگریست، زیرا عقل او از اسارت دنیا رهیده است. پس هر که تقوا پیشه کند: «قَبَدْنَهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبَهُ وَ عَقْلَهُ مَعَيْنِ الْآخِرَةِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۳۵۰؛ دیلمی، ۱۴۲۷: ۲۶۷؛ المالکی الاشری، ۱۴۱۰: ۱۹۵/۲)

۳. نتیجه گیری

۱. در آموزه‌های امیرمومنان (علیه السلام)، گزاره‌های اخلاقی و عقل به صورت معناداری در کنار هم به کار رفته‌اند. در واقع، زیست اخلاقی و عقل دارای رابطه و تاثیرات دوسویه‌ای بر یکدیگر هستند.
۲. تاثیرات زیست اخلاقی بر عقل، در سه گروه «سلامت»، «تقویت و پویایی» و «راه‌یابی و خداگرایی» عقل قابل بررسی است.
۳. زیست اخلاقی، موجب حفاظت از عقل شده و ضمن نگهداشت آن، بازیابی و سلامت عقل را موجب می‌گردد.
۴. تقویت عقلانیت، دست‌یابی به فهم و عملکرد صحیح، از دیگر نتایج زیست اخلاقی انسان است.
۵. خرد انسان‌هایی که فضایل اخلاقی را رعایت می‌کنند به سوی خدا متمایل شده و روی به سوی آخرت می‌نهد.
۶. شیوه اثرگذاری فضایل اخلاقی بر خرد آدمی، دارای فرآیند خاصی بوده و هر یک از ویژگی‌های اخلاقی، اثر مربوط به خود را دارند.
۷. در آموزه‌های امیرمومنان (علیه السلام)، برای مراحل و فرآیندهای رشد عقل، واژگان و عنوان‌های ویژه‌ای بیان شده است: «بازیابی؛ حفاظت و نگهداری؛ افزایش عقلانیت؛ تقویت و پویایی؛ علو و بلندا؛ تکامل؛ شفاء و سلامت؛ پاکیزگی؛ نورانیت؛ فهم صحیح؛ راه‌یابی و هدایت؛ آخرت‌گرایی؛ کارآمدی و سودبخشی».

۴. فهرست منابع فارسی

• قرآن کریم

۱. جمال خوانساری، محمد بن حسین، (۱۳۶۶ ه.ش)، *شرح بر غرر الحکم و درر الکلم*، محقق و مصحح: جلال الدین حسینی ارموی محدث، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. دانش پژوه، محمد تقی؛ افشار، ایرج، (۱۳۸۷ ه.ش)، *ترجمه رسائل اخوان الصفا (مجملة الحکمه)*، چاپ اول تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. سادات، محمد علی، (۱۳۸۷ ه.ش)، *اخلاق اسلامی*، چاپ بیست و دوم، تهران، انتشارات سمت.
۴. سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۳ ه.ش)، *فرهنگ معارف اسلامی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. _____، (۱۳۶۱ ه.ش)، *فرهنگ علوم عقلی*، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۶. شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۱ ه.ش) *آیین زندگی - اخلاق کاربردی*، چاپ هشتم و نهم، قم، دفتر نشر معارف.
۷. طوسی، نصیر الدین، (بی‌تا)، *اخلاق ناصری*، چاپ اول، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۸. فتحعلی‌خانی، محمد، (۱۳۸۹ ه.ش)، *آموزه‌های بنیادین علم اخلاق ۱*، چاپ دوم، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۹. محدثی، جواد، (۱۳۹۰ ه.ش)، *درسنامه اخلاق*، چاپ اول، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۱۰. مطهری، مرتضی، (بی‌تا)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، چاپ اول، انتشارات صدرا.
۱۱. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۷ ه.ش)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، چاپ سوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۲. نراقی، محمد مهدی، (۱۳۷۵ ه.ق)، *جامع السعادات*، چاپ دوم، نجف، مطبعة النجف.

۵. فهرست منابع عربی

۱۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ ه.ق)، *شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید*، محقق و مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قم، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
۱۴. ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی‌تا)، *الجعفریات «الأشعثیات»*، چاپ اول، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه.
۱۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ه.ش)، *الخصال*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
۱۶. _____، (۱۳۷۶ ه.ش)، *الأمالی*، چاپ ششم، تهران، کتابچی.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱۷. _____، (۱۴۱۳.ق)، **من لا يحضره الفقيه**، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴.ق)، **تحف العقول**، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
۱۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (بی تا)، **غرر الحکم و درر الکلم**، مترجم: محمد علی انصاری قمی، چاپ اول، قم، سازمان چاپ و صحافی دارالکتاب.
۲۰. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۲۷.ق)، **غرر الأخبار**، محقق و مصحح: اسماعیل ضیغم، چاپ اول، قم، دلیل ما.
۲۱. الرازی «مسکویه»، ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸.ش)، **الفوز الاصغر**، مصحح: مجید دستیاری، چاپ اول، قم، آیت اشراق.
۲۲. شبّر، سید عبدالله، (۱۳۷۸.ش)، **الاخلاق**، مترجم: محمد رضا جباران، چاپ سوم، قم، موسسه انتشارات هجرت.
۲۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۸.ش)، **نهج البلاغه**، مصحح: صبحی صالح، مترجم: عبدالمحمد آیتی، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی - بنیاد نهج البلاغه.
۲۴. شعبری، محمد بن محمد، (بی تا)، **جامع الأخبار**، چاپ اول، نجف، مطبعه حیدریه.
۲۵. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳.ش)، **شرح اصول الکافی**، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴.ش)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲.ق)، **مکارم الأخلاق**، چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی.
۲۸. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵.ش)، **مجمع البحرين**، محقق و مصحح: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
۲۹. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۲۳.ق)، **الحقائق فی محاسن الأخلاق**، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۳۰. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰.ق)، **کنز الفوائد**، محقق و مصحح: عبد الله نعمه، چاپ اول، قم، دارالذخائر.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹.ق)، **الکافی**، تحقیق و تصحیح: دارالحدیث، چاپ اول، قم، دار الحدیث.
۳۲. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، (۱۳۸۲.ق)، **شرح الکافی - الأصول و الروضه**، محقق: ابوالحسن شعرانی، چاپ اول، تهران، المکتبه الإسلامیه.
۳۳. المالکی الاثیری، ورام بن ابي فراس، (۱۴۱۰.ق)، **تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام**، چاپ اول، قم، مکتبه فقیه.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳.ق)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)**، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۵. مفید، محمد بن محمد، **الإختصاص**، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳.ق، چاپ اول، ۱ جلد.
۳۶. منقری، نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴.ق)، **وقعة صفین**، محقق و مصحح: عبد السلام محمد هارون، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.